۷

نگاهی به مقام

قمر بنی هاشم علیه السلام

متن سخنرانی استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به مقام قمر بنی هاشم (علیه السلام)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به مقام قمر بنی هاشم علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور:نگاهی به مقام قمر بنی هاشم علیه السلام/مولف حسین انصاریان؛ویرایش و تحقیق مرکز تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی.

مشخصات نشر:قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:۳۶ص.؛م.س. ۷/۵ ۱۶ X

شابک::۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۳۱-۲ ۳۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ

موضوع:عباس بن علی علیه السلام ، ۲۶؟ - ۶۱ق. -- کرامت ها

شناسه افزوده:انتشارات دارالعرفان

رده بندی کنگره:BP۱۰/۵/الف۸۲ن۸۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی:۲۹۷/۰۸

شماره کتابشناسی ملی:۱۹۴۸۲۴۵

ص :۱

اشاره

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می باشد.

در این خصوص، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگا حساس و ویژ آن ها در حیات انسانی، ضروری احساس می شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقّق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی های معظّم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج

ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا وطبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه

وعلی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین

معنای «کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ »

مسلّم است که در عالم هستی، از نظر استعداد، و به تعبیر حکما، قوه، هیچ موجودی مانند انسان نیست. برای اثبات چنین قضیه ای نیازی ندارد که ما برای شناخت ویژگی و موقعیت انسان، به سراغ کلمات حکمای الهی برویم، هر چند که در این زمینه حکما انصافاً زحمت کشیده اند و اسراری را در این زمینه یافته و بیان کرده اند.

بهترین منبعی که ما باید برای شناخت ویژگی این موجود در عالم خلقت، به آن مراجعه کنیم، قرآن کریم و روایات اهل بیت: است که انسان شناس های کامل و جامعی هستند.

ص:۹

در سور مبارکه اسراء، سازنده، خالق و به وجودآورنده انسان می فرماید: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِیلاً» (۱)خداوند متعال در این آیه تنها نمی گوید که انسان را گرامی داشته و او را به عنوان موجودی ارزشمند به حساب آورده است، و من هم به دنبال این نیستم که گرامی داشت و باارزش به حساب آوردن انسان را از طرف خداوند متعال روایت و نقد می کنیم؛ چون گاهی قرآن مطالبی را از قول دیگران نقل می کند، امّا این جا و در آیه می فرماید: «کَرَّمْنا» ، «حَمَلْنا» ، «رَزَقْنا» و

۱- (۱) ۱. اسراء: ۷۰: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود، برتری کامل دادیم.

« فَضَّلْنـا »، و در آن چهـار حقیقت را بیـان کرده و کنـار هر چهـار حقیقت، ضـمیر جمع «نـا»، قرار داده است. «نـا» همـان معنای «نحن» را می دهـد؛ «نحن» ضـمیر جمع است. معنـای این که خداونـد سـبحان، با این که احـد، واحـد و فرد است، در این جای قرآن، خود را با ضـمیر جمع مطرح می کند، آن است که این وجود مقدس که هم حقایق را، هم اسـمای حُسـنی و صفات عُلیا را، به صورت یکجا پیش خود دارد، می خواهد انسان را گرامی بدارد: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ» . امّا این گرامی داشتن انسان، به هندس هیکل او مرتبط نیست؛ چراکه هم موجودات عالم، دارای هندس هیکل هستند. کُرات هم هندس هیکل دارند؛ درختان هم هندس هیکل دارند؛ حیوانات هم آن را دارند، و چه بسا که بعضی از موجودات، زیبایی خاصی را در ظاهر خود دارند، در صورتی که انسان چنین زیبایی خاصی را در

ص:۱۱

ظاهر خود نـدارد، مثل بعضـی از عروس های دریایی و ماهیان که انگار پوست طبیعی شان از زیباترین پارچه بافته شـده است، آن هم بـا زیبـاترین رنـگ آمیزی که تماشاگران را به حیرت می انـدازد، ولی هیـچ انسانی نقش، رنگ و زیبایی این پوست را نـدارد؛ بلکه خداونـد متعال انسان را گرامی داشت، به این که به او با ارزش ترین، شـیرین ترین، پرمنفعت ترین و سودمندترین گوهر و شیء باارزشی را که در این عالم ساخته و پرداخته، داده است؛ یعنی خداوند در این شاخه از طبیعت، عقل را قرار داده است؛ چنـان که اگر مـا عـالم را به منزل یک درخت فرض کنیم و هم موجودات را هم شاخه های این درخت در نظر بیاوریم، تنها شاخه ای که با ارزش ترین میوه و گوهر در آن قرار داده شده، انسان است؛ خداوند به انسان عقل داد؛ عقلی که بنا به نقل از جلد اول اصول کافی در باب اول،

ص:۱۲

خداونـد سـبحان درباره آن فرموده است: وقتی که آفریده شد، به او خطاب گشت، من مخلوقی محبوب تر از تو نیافریدم، و به عقـل فرمود، من هر پاداشـی را که به انسـان بـدهم و حتی این پـاداش نهـایی را که بهشت و فردوس اعلاست، تنها به خاطر تو است؛ چون عقل را که از انسان بگیرنـد، انسان دیوانه ای زنجیری است، و همین طور به هر کس که دوزخ بدهم، تنها به خاطر تو، به او دوزخ می دهم؛ برای این که این انسان به تو خیانت کرده و تو را به کار نگرفته است؛ تو را معطل کرده است؛ تو را با این عظمتت، گرفتار هفتاد نوع معطلی کرده است: پنیرشناسـی، کره شناسی، شیرشناسی و اسکناس شماری، در حالی که من تو را در انسان قرار دادم تا او با توسّل به تو، به من برسـد؛ به مقام قرب من برسـد و در این عالم، به ارزش ها دست پیـدا کنـد، نه این که او بیاید تو را اسیر نماید

ص:۱۳

و پشت خواهش های شیطانی پنهان کند و در تاریکی نفس اماره تو را له سازد و من هم ببینم که ارزشمندترین گوهرم در عالم، به دست انسان دارد، نابود می شود و من هم در برابر این نابود کردن، کاری انجام ندهم.

در حقیقت، خداوند متعال می خواهد به انسان بگوید، اگر سنگی به شیش پنجره خانه ات بزنند، شیشه ای که با دو سه هزار تومان می توانی شکسته شدن آن را جبران کنی، داد و فریادت در می آید و عربده می کشی؛ پسر سنگ انداز را می آوری و به صورتش سیلی می زنی، و بعد به درب خان آن پسر می روی و بر سر بابایش داد و هوار می کشی، یا این که اگر کسی تیشه بردارد و یک آجر خانه ات را بیرون بکشد، یا کسی با نوک چاقو کتت را پاره کند، و یا به ماشینت خشی بیاندازد، تو می خواهی زمین و آسمان را به هم بدوزی. آن وقت کسی بیاید یکی

از بـاارزش ترین مخلوقات من را که به او امانت داده ام تا با آن به من برسـد، به اسارت بگیرد و در تاریکی های متراکم گناه، آن را گم نماید و من هم در برابر چنین کاری، هیچ عکس العملی نشان ندهم؛ یعنی من خدایی هستم که در مقابل نابود شدن ارزش ها، این قدر بی تفاوتم.

قرآن و روایـات، ملاک هم برنامه های ارزشـی را عقل قرار داده انـد، و درجات بهشت، به تناسب درجات عقل است؛ انسان با آن می تواند، خوب و بد را و حق و باطل را تشخیص و تمییز دهد.

معنـای «کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ» ، این است که مـا بنی آدم را بـا دادن عقـل تکریم نمودیم؛ چنـان که اگر عقل را از انسان بگیرنـد، او دیگر تکلیفی نـدارد، و خـدا هم با او کاری نخواهد داشت؛ خداوند بر هیچ بی عقلی نماز و روزه را واجب نکرده است، و تنها غیرعاقل، جزء حیوانات زنده است.

ص:۱۵

معنای «وَ حَمَلْنٰاهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ»

هر موجود زنده ای در جای خاصی زندگی می کند، و آن موجود هم برای ادام حیات خود، از همان جای خاص مایه برداشت می کند؛ هیچ وقت، این ماهی از آن منطق آبی که در آن زندگی می کند، بلند نمی شود به داخل شهرها بیاید و آن مای لازم برای ادام حیات خود را، از داخل شهرها بگیرد؛ زیرا اگر ماهی از آب بیرون بیفتد، می میرد؛ همین طور است اگر پرندگان هوایی بی پر بشوند؛ چون آن ها فضای معینی برای زندگی دارند؛ حیوانات صحرایی هم فضای معیّنی برای حیاتشان دارند؛ حیوانات جنگلی هم فضای معینی برای زندگی شان دارند؛ اما انسان این قدر ارزش دارد که تمام بر و بحر را برای او قرار دادند، و هم جاده های زمین و دریا را بر روی او باز کردند تا

ص:۱۶

در هر فضایی که بخواهد، برود زندگی کند. اکنون فضانوردان چندین ماه به آسمان می روند و در آن جا می مانند. اگر انسان بخواهد در دریا زندگی کند، می تواند مدتی طولانی بر روی اسکله ها وکشتی های بزرگ زندگی کند؛ همین طور انسان می تواند در جنگل، صحرا و کویر زندگی کند. و به طور کلی خداوند می گوید، ما برای انسان، همه جا را جای زندگی قرار دادیم و در همه جا او می تواند از هم امکانات آن مکان استفاده کند؛ یعنی سفر زندگی، برای او عام است، و برای دیگر موجودات، خاص است؛ جای ماهی، آب است؛ چنان که جای پرنده هم هواست؛ همین طور جای چرندگان هم بیابان های آفریقا و کویرهای عرب است؛ جنگل هم جای شیر، گراز، خوک و از این قبیل حیوانات است؛ اما همه جای خشکی و دریا، جای زندگی انسان است.

ص:۱۷

معنای «وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ»

من پروردگار، هم موجودات زنده در دنیا را در خوراک آزاد گذاشتم تا هرچه از حرام و حلال می خواهند بخورند؛ سگ که می میرد، لاشه آن را پرندگانی، چون: کرکس می خورند، و چنین غذایی، خیلی برای آن ها خوشمزه است. آن ها لاشه گرگ و شیر را هم می خورند؛ چنان که سگ هم لاش شیر را می خورد. سگ استخوان خشک خوک و یا سگ دیگر را می خورد و برایش فرقی هم نمی کند. خلاصه، خداوند متعال تمام موجودات زنده را در نجاست خواری، مردارخواری و حرام خواری آزاد گذاشته و آن ها در خوردن چنین چیزهایی آزادند. تنها موجوداتی که خداوند متعال رزق طیب برای آن ها قرار داده، بنی آدم است. آن ها باید بر سر سفره ای تمیز بنشینند؛ چون آن ها موجودی ویژه اند،

ص:۱۸

باید سر یک سفره پاک بنشینند. خوراک گوشت بنی آدم، مخصوص است، در حالی که گوشت سگ را سگان دیگر، خرس ها و گرازها می خورند. گوشت گراز هم خوراک شیر است؛ چنان که گوشت شیر هم خوراک سگ است؛ ولی خداوند خوراک انسان را گوشت چهارپایان و بهیمهٔ الانعام قرار داده، گوشت پاکیزه ای که نسبت به اخلاق انسان مضر نیست؛ نسبت به عقل او ضرری ندارد؛ نسبت به خطوط زیبای الهی که در روان او موجود است، ضرری نمی رساند.

«وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» ، چه طیبات ذاتی باشند و چه طیبات عرضی، فرقی نمی کند، و تنها باید حلال بودن و طیب بودن غذا، سر سفره انسان رعایت شود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي

اَلْأَرْضِ حَلاٰلاً طَیِّباً. » (۱) ؛ چون خداوند متعال خوردن حلال آلوده را هم برای انسان حرام کرده است.

اگر در آبگوشت یک قطره خون افتاد، ما باید آن را دور بریزیم. این ریختن هم اسراف نیست؛ زیرا خوردن چنین آب گوشتی حرام است؛ همین طور اگر در هجده کیلو روغن آب شده در حلب، یک فضل موش افتاد، خداوند راضی نیست که یک ذر آن در بدن ما انسان ها بیاید؛ چون چنین روغنی نجس و حرام است؛ برای این که توی انسان، مهمان ویژ منِ پرودگار در این عالم هستی؛ توی انسان، موجود خاص من، در این عالم هستی؛ تو مصداق «کَرَّمْنا» ی من هستی و بقیه موجودات

۱- (۱)) ۱. بقره: ۱۶۸ : ای مردم! از آنچه [از انواع میوه ها و خوردنی ها] در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید.

چنین نیستند؛ تو مصداق «حَمَلْنا» هستی و می بینی بقی حیوانات چنین نیستند. اگر حیوانی دریایی باشد، باید در دریا زندگی کند، و اگر حیوانی صحرایی باشد، باید در صحرا زندگی کند و اگر حیوانی هوایی باشد، باید در هوا زندگی کند، و اگر حیوانی جنگلی باشد، باید در جنگل زندگی کند، ولی هم خشکی و هم دریا، جای زندگی توست. من به توی انسان قدرت پیمودن اقیانوس ها را دادم. ساخت این کشتی های پانصد هزار تنی، کار تو نیست؛ کار مغز تو است که ساخت فکر من است، پس ساخت کشتی در واقع، کار من است، و اگر به کشتی اجازه ندهم که در این دریا باشد و راه برود، این بار پانصد هزار تنی را که زیر آن، شُل ترین مایع است، دهن باز می کند، و این کشتی به اعماق آن فرو می رود.

ص:۲۱

در نتیجه، ساخت کشتی هم مربوط به فکر من است؛ چون مغزی که دربار ساخت آن فکر می کند، متعلّق به من است. من خداوند این مغز را به توی انسان دادم؛ تخت کشتی را من به تو دادم؛ آهن و میخ این کشتی را من به تو دادم؛ راه هماهنگ کردن این اجزاء را من به تو دادم. خلاصه، ساخت کشتی کار تو نیست؛ توی انسان، استقلالی در این امور نداری؛ چون تو مهمان ویژه ای هستی، من این قدر به تو فضا دادم.

«اَلَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْرٰاهِ وَ الْإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهٰاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبٰاتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبٰائِثَ» (۱)،

۱- (۱)) ۱. اعراف : ۱۵۷ : همان کسانی که از این رسول و پیامبر «ناخوانده درس» که او را نزد خود [با همه نشانه ها و اوصافش] در تورات وانجیل نگاشته می یابند، پیروی می کنند پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می دهد، و از اعمال زشت بازمی دارد، و پاکیزه ها را بر آنان حلال می نماید، و ناپاک ها را بر آنان حرام می کند

من پروردگار، هر چیزی را که آلوده است، حرام کرده ام. حتی بعضـی از مراجع فعلی ما، و البته، مراجع گـذشت ما و فکر می کنم من فتوای صـد و ده نفر آن هـا را دیـده بـاشم که به حرمت کشـیدن تریـاک فتوا داده انـد؛ چون دود آن را از خبائث می دانند؛ چرا این دود تریاک، حرام است؛ چون خداوند این دود خبیث را برای مهمان ویژه اش نپسندیده است.

بعضـی از مراجع فعلی ما، محض ارزش انسان که باید از خبائث دور بماند، به طور علنی، سـیگار را هم حرام می دانند و به آن فتوا می دهند و می گویند، دود سیگار هم از خبائث است. شمای انسان، مهمان

ص:۲۳

ویژ پروردگار هستید؛ شما مصداق «رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ» هستید؛ شما نباید دود بخورید و این خوردن، حرام است.

این حقایق را باید از بیدارانی که حقیقت را می بینند، پرسید. زمانی واعظی از زنجان می آمد، البته، گاهی، و نه همیشه. من او را ندیـده بودم. فکر می کنم آن موقع من تازه به دنیا آمـده بودم و چند سالم بود که او از دنیا رفته بود، ولی من هم در همدان و هم در تهران، پـامنبری هـای فهیم او را دیـدم که هم این افراد مُردنـد و هم کسانی که به آنها خیلی مربوط بودنـد و با آن ها همسـفر می شدنـد. من این دو طایفه را دیدم. به شـهادت این دو طایفه، از این خطیب برای من خاطراتی نقل شد، از جمله این که نام این خطیب حاج ملا آقاجان بود؛ وقتی مصـیبت می خوانـد، نه تنها دید مردم را می گریاند، بلکه تمام در و دیوار را هم به گریه می انداخت و

ص:۲۴

خـود او هم دگرگونی هـای مختلفی پیـدا می کرد. در مجلس هم تصـرّف می کرد و نمی گـذاشت چشـمی بی گریه بمانـد و چشم خشک را راه می انداخت. وقتی ملا آقاجان در یک جا منبر داشت و کسی هم از اخلاق او مطلع نبود، در حالی هزار نفر هم پای منبر او بودند، در اوج منبر، و یا در اوج مصـیبت، تا یک نفر کبریت به سـیگار می زد، فوراً سـخن خود را در منبر قطع می کرد و از منبر پایین می آمد و می گفت، فرشتگانی که اجازه گرفته بودند، در مجلس ابی عبدالله علیه السلام شرکت کنند، با روشن شدن سیگار، رفتند، من هم دیگر نمی توانم منبر را ادامه بدهم. مستمع های خوب من رفتند.

انسان ارزش دارد، برای این که «رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ» .

ص:۲۵

معنای «وَ فَضَّلْناهُمْ عَلیٰ کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِیلاً»

می خواهم دربار جمل چهارم و فهم از این جمله سخن بگویم. من قبل از این که جمل چهارم را بخوانم، می خواهم با یقین و با قاطعیت بگویم، کلم « کثیر » در این آی قرآن، به معنای کل است، نه به معنای بسیار. به دلیل این که خدا در قرآن وقتی که دربار شیطان بحث می کند، می گوید: «وَ أَکْثَرُهُمْ کاذِبُونَ » (۱) : اکثر شیاطین دروغگو هستند؛ معنای این سخن، بنابر این که « کثیر » به معنای بسیار باشد، این خواهد بود که ما شیطان راستگو هم داریم؛ کسی که راستگو باشد،

ص:۲۶

۱- (۱)) ۱. شعراء : ۲۲۳.

دیگر شیطان نیست. وقتی خداوند شیطان را لعنت کرده، به این معنا خواهد بود که بعضی از راستگوها را لعنت و رجم کرده است، در حالی که خداوند سبحان، راستی را که لعنت نمی کند؛ راستی را که رجم نمی کند؛ راستی را که به جهنم نمی برد. خداوند در برابر گفت شیطان در گمراه نمودن انسان ها از راه راست، قسم خورد که من توی شیطان و پیروانت را همگی به جهنم می برم (۱)؛ یعنی خداوند هم شیاطین را به جهنم می برد، پس این جا هم کلم «کثیر»؛ به معنای کل است، پس معنای آیه، این نیست که ما بنی آدم را بر کثیری از آفریده ها برتری دادیم؛ بلکه این است که بنی آدم را بر هم آفریده هایمان برتری دادیم. مضمون آیه، از این قرار می شود که

ص:۲۷

۱- (۱)) ۱. اشاره به آی هشتاد و پنجم سور ص «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْکَ وَ مِمَّنْ تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعِینَ»

اول من پروردگار هستم و بعد انسان است، و بعد هم باقی موجودات، و توی انسان، وسط بین من خدا و هم موجودات هستی؛ توی انسان بعد از من هستی و فوق هم مخلوقات.

وقتی توی انسان این موقعیت را شناختی و خودت را فهمیدی و دانستی، خواهی دید، در برتری، اول خدا قرار دارد، و بعد انسان، و بعد جهان با هم موجوداتی که دارد، هر کس که می خواهد باشد، می خواهد این کس جبرئیل علیه السلام باشد، و یا میکائیل علیه السلام ، و یا اسرافیل علیه السلام ، و یا عزرائیل علیه السلام ؛ می خواهد این کس از ملائک عرش باشد، و یا از ملائک حول عرش. در هر حال، اول خدا برتر است، بعد انسان، و بعد سایر موجودات.

حالا وقتی می آیم به سراغ این انسان ها، می بینیم که برخی از انسان ها، نسبت به برخی دیگر از انسان ها برتری دارند؛ یعنی این گونه نیست که مجموع

حقایقی که عبارت های «کَرَّمْنا»، «حَمَلْنا»، «رَزَقْنا» و «فَضَّلْنا» بیان می کنند، نسبت به هم انسان ها یکسان باشند؛ چراکه در رأس هم انسان ها، انبیاء و ائمه: قرار دارند.

از این جا به بعد بحث را، باید بهتر در آن دقت کرد. کسی نگوید، چرا در روز تاسوعا شما سراغ این بحث رفته اید؟ اتفاقاً می خواهم بگویم، من دارم بحث روز تاسوعا را مطرح می کنم، بحثی نو، زنده و تازه که تاکنون از کسی شنیده نشده است.

طبق حیاتی که قرآن بیان می کند، در میان مجموع انسان ها، انبیاء و ائم طاهرین:، برترین هستند. در میان انبیاء هم نسبت به همدیگر برتری وجود دارد که دیگر در دایر وجودی خود آن ها مطرح است: «تِلْکَ الرُّسُلُ فَضَّلْنا بَعْضَهُمْ عَلی

ص:۲۹

بَعْضٍ مِنْهُمْ » (۱)، در این آیه، خدای متعال می گوید که در انبیا، عده ای بر برخی دیگر از آن ها برتری دارند؛ پنج تای از آن ها بر صد و بیست و چهار هزار نفر برتری دارند: نوح، ابراهیم، موسی عیسی:و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم . در این پنج نفر، یک نفر بر همه برتری دارد که پیغمبر است. پس او برترین انسان است. دیگر چه کسی هم سنگ پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

آیا ابراهیم چنین است؟ باید بگویم، نه، این پنج پیامبر با هم، برتر از هم پیامبران هستند. از در آن پنج تا هم فاکتورگیری شده، و یک نفر نسبت به هم آنان، برتر است.

علی علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

کسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می پرسد شما در این برتری بر صد و بیست و چهار هزار پیامبر، آیا

ص:۳۰

۱- (۱) ۱. بقره: ۲۵۳.

شریک هم داری؟ قرآن در جواب او می گوید: بله، یک نفر در این برتری بر کلّ انبیاء، با توی پیامبر شریک است، کسی که من از طرف خدا از او تعبیر می کنم به جان تو: «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَکُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَکُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَکُمْ» (۱) که فردا دیدند پیامبر راستگو که گفته بود، هم فرزندانمان را برای مباهله می آوریم و لفظ فرزند را به صورت جمع آورده بود، بعد تنها دو فرزند را آورده، و با این که گفته بود، تمام زنان ما را می آوریم، و بعد دیدند، او تنها یک خانم را به نام فاطمه سلام الله علیها آورده؛ همین طور گفته بود، تمام جان های مان را می آوریم، بعد دیدند این پیغمبر راستگو با خود فقط علی را آورده است؛ یعنی حسن علیه السلام و حسین علیه السلام من، همه فرزندانش هستند،

ص:۳۱

۱- (۱)) ۱. آل عمران: ۶۱.

و زهرا سلام الله علیها به تنهایی، هم زنانش است، و علی هم به تنهایی همه جان هایش هست، پس به دلیل این آیه، علی علیه السلام از هم انبیاء به طور یقین، برتر است و در آن، شکی هم وجود ندارد. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام ، برترین است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نمی توانست بی علی زندگی کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با به وصلت در آورن دختر خود برای علی علیه السلام ، زمینه به وجود آمدن یازده امام معصوم: دیگر را به وجود آورد. بدون وصلت با علی علیه السلام ، این یازده امام از هیچ کس دیگر به وجود نمی آمدند؛ چون یازده امام در خزان وجود علی علیه السلام تعبیه شده بود. در بیست و سه سال رسالت خود هم اعلام کرد، یک نفر از امت من، در قیامت نمی تواند بی امضای علی علیه السلام از صراط رد بشود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده و ناقل هم امام رضا علیه السلام است که خدای عزّ و جلّ گفت: «وَلَایَةُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی

طَالِبٍ حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی» (۱)

همین طور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اعلام کرد، هر انسانی از دنیا برود و علی علیه السلام از او راضی نباشد، آمرزیده نخواهد شد. (۲) نیز حضرت اعلام کرد: خدای متعال سه هزار تا اسم دارد که هزار تای آن ها را پیش مردم گذاشته و در دعای جوشن کبیر، آن ها را آورده، و هزار تای آن ها را به انبیا تعلیم داده است که آنان آن اسامی را به مردم نگفتند، و هزار تا از آن اسامی را هم به خود اختصاص داد و به انبیا هم خبر نداد، و ما حالا از این سه هزار اسم خبر داریم.

۱- (۱)) ۱. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام ج۲، ص۱۳۶، حدیث۱.

۲- (۲)) ۲. المحاسن، ج۱، ص۸۹ از پیامبر اکرم۶نقل کرده است: التَّارِکُونَ وَلَایَةَ عَلِیٍ ۷ الْمُنْکِرُونَ لِفَضْلِهِ الْمُظَاهِرُونَ أَعْدَاءَهُ خَارِجُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ عَلَی ذَلِکَ. هم چنین علی بن یونس نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، ج۲، ص۵۷، در حدیثی از پیامبراکرم۶ نقل کرده است: فإن رضا علی رضا الله و غضبه غضب الله...

خدای متعال در ازل که می خواست خود را نامگذاری کند، از این سه هزار نام، اولین نامی که برای خود انتخاب کرد، علی بود: العلی العظیم. (۱)

مقام قمر بنی هاشم علیه السلام از زبان حسین علیه السلام

یک بار دیگر آنچه گفته شد، را مرور می کنیم:

۱. تکریم نمودیم انسان را، نه دیگران را؛

۲. حمل نمودیم، این موجود را؛

۳. از پاکیزه ها روزی دادیم این موجود را؛

۴. این انسان را بر همه موجودات برتری دادیم و گفتیم که منظور از « کثیر » در آیه، معنای کل است؛

۵.

۱- (۱) ۱. الکافی، ج۱، ص۱۱۳، حدیث، در حدیثی از امام رضا ۷آورده: فَأَوَّلُ مَا اخْتَارَ لِنَفْسِهِ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لِأَنَّهُ أَعْلَى الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا .

۶. در میـان انسـان ها هم گفتیم که صـد و بیست و چهار هزار پیامبر و امامان برترین هسـتند، و در میان آنان هم پنـج اولوالعزم وجود دارند که برترین هسـتند، و در میان این پنج اولوالعزم هم پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم برترین است و علی علیه السلام نیز در این برترین بودن، با او شریک است.

سخنم را به طور خلاـصه یـک بـار دیگر بیان می کنم تا آنچه شـنیده ایـد را یک بار دیگر مرور کنیـد. آنچه گفته شـد، بحثی قرآنی خالصـی بود که مسـتند هم سـخنانش هم آیـات بود. روایتی هم اگر گفته شـد، مرتبـط به آیات بود. از میان هم هستی، فقط به علی علیه السلام نگاه کنید. وقتی در آین ذهن خود، به علی علیه السلام نگاه کردید، قلب و مغز شما کاملاً متوجّه علی علیه السلام خواهد شد. حضرت علی علیه السلام با آن عظمتی که داشت، در ماجرایی، خطاب به

حسین علیه السلام گفت: «فداک أبوک» (۱): پدرت علی فدایت.

آن وقت در همین یک و دو ساعت مانده به غروب روز تاسوعا، این حسین علیه السلام به قمر بنی هاشم علیه السلام گفت: من فدایت!

مدرک این حرف کجا است؟ آری، من فدای قلمی بشوم که این جمله را نوشت: ابی عبدالله علیه السلام به قمر بنی هاشم علیه السلام گفت: «بنفسی انت» : حسین قربانت برود. آن دستی که این سخن را نوشته، دست شیخ مفید در کتاب ارشاد است (۲)، قلم یکی از بالاترین علمای شیعه که اهل سنت هم او را قبول

۱- (۱)) ۱. ابن ابی حدید، شرح نهج البلاغه، ج۱۱، ص۲۵۳.

۲- (۲)) ۲. الإرشاد، ج۲، ص۹۰: قال له العباس بن علی رحمهٔ الله علیه: یا أخی أتاک القوم فنهض ثم قال: یا عباس! ارکب بنفسی أنت یا أخی.

دارند. به راستی، چه کسی می تواند بهتر از حسین علیه السلام مقام قمر بنی هاشم علیه السلام را بفهمد؟

ص:۳۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹